

الف: استطاعت مالی

الف: استطاعت مالی

م۳۴ - برای تحقق استطاعت مالی موارد زیر باید تأمین باشد:

الف) هزینه ی رفت و برگشت و توشه ی سفر

ب) هزینه ی زندگی افراد تحت تکفل در زمان سفر

ج) ضروریات زندگی و آنچه در زندگی بدان نیاز دارد

د) برخورداری از زندگی متعارف پس از بازگشت (رجوع به کفایت).

۱- هزینه ی رفت و برگشت و توشه ی سفر

م۳۵ - منظور از توشه ی سفر، چیزهایی است که در سفر بدان نیاز است؛ مانند خوراک، نوشیدنی و دیگر لوازم و نیازهای سفر.

م۳۶ - بر کسی که توشه و هزینه ی رفت و برگشت ندارد و مالی هم برای تهیه ی آنها ندارد، حج واجب نیست، هر چند بتواند با کسب و کار آنها را تهیه کند.

م۳۷ - داشتن عین لوازم سفر برای استطاعت شرط نیست؛ بلکه اگر مکلف، پول یا مالی داشته باشد که بتواند آنها را هزینه کند، کافی است و مستطیع است.

م۳۸ - کسی که از دیگری پولی به قدر استطاعت حج طلب دارد، در صورتی که می تواند آن طلب را که وقت ادای آن فرا رسیده یا شخص مدیون پیش از وقت، می تواند آن را بپردازد، باید آن را بگیرد و به حج برود.

م۳۹ - زنی که مهریه اش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهر طلبکار است، در صورتی که شوهر توان پرداخت نداشته باشد، نمی تواند آن را مطالبه کند و مستطیع نیست؛ ولی اگر شوهر توان پرداخت دارد و مطالبه ی مهر برای زن مفسده ندارد، واجب است مهریه را مطالبه کند و به حج رود. و اگر مطالبه ی مهریه برای زن مفسده دارد مثل اینکه به نزاع و کشیده می شود، مطالبه ی مهریه واجب نبوده و مستطیع نیست.

م۴۰ - کسی که مخارج حج را ندارد ولی می تواند به آسانی آن مبلغ را از دیگری وام بگیرد و بعداً ادا کند واجب نیست که با گرفتن وام، خود را مستطیع کند. ولی اگر وام گرفت حج بر او واجب می شود.

م۴۱ - کسی که بدهکار است و غیر از مقدار لازم برای مخارج حج، مالی برای پرداخت بدهی ندارد، اگر بدهی مدت دار باشد و اطمینان داشته باشد که وقت ادای بدهی، توانایی پرداخت آن را دارد و نیز اگر وقت ادای بدهی فرارسیده باشد، ولی طلبکار به تأخیر پرداخت راضی است و بدهکار مطمئن است که وقت مطالبه می تواند بدهی را بپردازد، واجب است به حج برود؛ در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

م۴۲ - کسی که نیاز به ازدواج دارد به طوری که اگر ازدواج نکند به مشقت شدید دچار می شود و امکان ازدواج برای او هست، در صورتی حج بر او واجب می شود که علاوه بر مخارج حج، هزینه ازدواج را هم داشته باشد.

م۴۳ - اگر اجرت وسیله ی نقلیه در سال استطاعت بیش از حد متعارف باشد، در صورتی که توان پرداخت مازاد را بدون مشقت شدید داشته باشد، واجب است آن را بپردازد و به حج برود و صرف گرانی مانع استطاعت نیست؛ ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد، واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست و حکم خرید یا اجاره ی چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد نیز چنین است. همچنین اگر لازم باشد مال خود را به قدری کمتر از قیمت معمول بفروشد که موجب مشقت زیاد باشد، واجب نیست بفروشد.

م۴۴ - ملاک استطاعت مالی برای حج، توانایی انجام آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد ولی احتمال می دهد که اگر تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی مستطیع شود، واجب نیست تلاش کند؛ ولی اگر شک در

استطاعت مالی داشته باشد واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند.

۲- هزینه‌ی زندگی افراد تحت تکفل در زمان سفر

۴۵م- در تحقق استطاعت مالی، شرط است که مخارج افراد تحت تکفل را تا بازگشت از حج داشته باشد.

۴۶م- افراد تحت تکفل، کسانی اند که عرفاً عنوان عائله بر آنان صدق می‌کند، هر چند نفقه دادن به آنان واجب نباشد.

۳- ضروریات زندگی

۴۷م- از شرایط وجوب حج بر مکلف، دارا بودن ضروریات زندگی است و هر آنچه که عرفاً شایسته‌ی موقعیت او است و به آن نیاز دارد. اما لازم نیست عین آنها موجود باشد، بلکه اگر پول یا چیزی که بتواند آن را صرف تأمین آنها کند، در اختیار داشته باشد، مستطیع است.

۴۸م- شئون عرفی اشخاص متفاوت است. مثلاً کسی که داشتن خانه‌ی شخصی از ضروریات زندگی او است یا شأن عرفی او اقتضا می‌کند خانه داشته باشد و سکونت در منزل استیجاری، سازمانی یا وقفی برای او مشقت شدید دارد یا موجب وهن او است، برای تحقق استطاعت او، داشتن خانه‌ی ملکی یا هزینه‌ی آن شرط است.

۴۹م- اگر مالی داشته باشد که برای رفتن به حج کفایت کند، اما برای نیاز ضروری مانند تهیه‌ی مسکن، علاج بیماری یا تأمین لوازم زندگی به آن احتیاج داشته باشد، مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست.

۵۰م- کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله‌ی نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر فروش مقدار زائد موجب مشقت شدید یا وهن او نمی‌شود و قیمت حاصل از فروش آن برای مخارج حج کافی است یا آن را تکمیل می‌کند، باید مقدار زائد را بفروشد و به حج رود.

۵۱م- اگر مکلف مثلاً زمین بفروشد تا برای سکونت خانه بخرد، در صورتی که خانه نیاز ضروری یا عرفی او باشد، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی‌شود، هر چند به مقدار مخارج حج یا مکمل آن باشد.

۵۲م- کسی که بعضی از اموالش از نیاز او خارج شده - مانند خودروی قدیمی که با خرید خودروی جدید به آن نیاز ندارد - و پول حاصل از فروش آن برای استطاعت یا تکمیل آن کافی است، با وجود شرایط دیگر، حج بر او واجب است.

۴- بهره‌مندی از زندگی متعارف پس از بازگشت (رجوع به کفایت)

۵۳م- یکی از شرایط تحقق استطاعت مالی، «رجوع به کفایت» است. یعنی بعد از بازگشت از حج، مال یا محل درآمدی مثل تجارت، زراعت، صنعت، اجاره‌ی مغازه و مانند آن داشته باشد، به طوری که برای زندگی مناسب با شأن عرفی خود و خانواده اش کافی باشد.

۵۴م- کسی که پس از بازگشت از حج راه درآمدی ندارد، ولی می‌تواند با وجوه شرعی مانند خمس و زکات و امثال آن زندگی اش را اداره کند، حج بر او واجب است.

۵۵م- رجوع به کفایت در استطاعت زن نیز شرط است؛ بنابراین اگر زن شوهردار در حال حیات شوهر مستطیع شود، نفقه‌ای که شوهر به او می‌پردازد، برای تحقق استطاعت کافی است. ولی زنی که شوهر ندارد، باید بعد از بازگشت از حج، مال یا درآمد کافی برای اداره‌ی زندگی مناسب با شأن عرفی داشته باشد. در غیر این صورت مستطیع نیست.

۵۶م- اگر شخصی هزینه و لوازم سفر را نداشته باشد، ولی دیگری مخارج حج او را بدهد، مثل اینکه به او بگوید: حج به جا آور و هزینه‌ی آن بر عهده‌ی من، در این صورت حج بر او واجب می‌شود و باید آن را قبول کند. این حج را «حج بذلی» گویند. در حج بذلی رجوع به کفایت شرط نیست و لازم نیست عین اسباب و لوازم مورد نیاز را داده باشد، بلکه پرداخت قیمت کافی است؛ اما اگر مال را به عنوان انجام حج به او ندهد، بلکه صرفاً مالی را که کافی برای حج است به او ببخشد، قبول آن واجب نیست، اما اگر هدیه را بپذیرد در صورت دارا بودن رجوع به کفایت، حج واجب می‌شود.

۵۷م- حج بذلی از حجة الاسلام کفایت می‌کند و در صورتی که در سالهای بعد مستطیع شود، واجب نیست حج به جا آورد.

۵۸م- اگر کسی از طرف مؤسسه یا شخصی برای انجام کاری به حج دعوت و مشرف شود، در صورتی که در مقابل دعوت به حج متعهد به انجام کاری است، حجش حج بذلی نیست.

مسائل متفرقه ی استطاعت مالی

م ۵۹ - کسی که مستطیع است، نمی تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج صرف کند، خود را از استطاعت خارج کند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب قبل از آن نیز نباید خود را از استطاعت خارج کند.

م ۶۰ - در تحقق استطاعت مالی شرط نیست که استطاعت در محلّ اقامت حاصل باشد، بلکه حصول آن در میقات نیز کافی است. بنابراین اگر در میقات استطاعت حاصل باشد حج واجب است و از حجة الاسلام کفایت می کند.

م ۶۱ - کسی که با رسیدن به میقات قادر به انجام حج می شود، در صورتی مستطیع و حج بر او واجب است که بقیه ی شرایط استطاعت مالی را دارا باشد؛ پس اگر افرادی مانند خدمه ی کاروان مخارج افراد تحت تکفل و ضروریات و لوازم زندگی مناسب شأن و رجوع به کفایت را دارا باشند، حج بر آنان واجب است و از حجة الاسلام کفایت می کند. در غیر این صورت حجّ آنان مستحبّی است و در صورتی که بعداً مستطیع شوند، واجب است حجة الاسلام را به جا آوردند.

م ۶۲ - کسی که برای خدمت در حج با اجرتی که با آن مستطیع می شود اجیر شود، هر چند واجب نیست برای تحصیل استطاعت اجیر شود، اما بعد از قبول اجاره، حج بر او واجب می شود، به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم خدماتی که برای آن اجیر شده است نباشد، وگرنه با این اجرت در این سال مستطیع نمی شود.

م ۶۳ - کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و پس از عقد اجاره با مالی غیر از اجرت نیابت مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود و در سال بعد حجّ نیابتی را انجام دهد، اما اگر عقد اجاره برای همان سال بوده است، اجاره باطل است.

م ۶۴ - اگر شخص مستطیع بر اثر غفلت یا عمداً قصد حجّ استحبابی کند - هر چند هدفش تمرین برای انجام هر چه بهتر مناسک در سال بعد باشد یا با اعتقاد به عدم استطاعت باشد - بعد معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت آن از حجة الاسلام محلّ اشکال است و بنا بر احتیاط واجب، باید در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آنکه قصد داشته وظیفه ی فعلی را انجام دهد و خیال می کرده وظیفه ی فعلی اش حجّ استحبابی است، در این صورت از حجة الاسلام کفایت می کند.